

قرضات خاندان سلطنتی و نحوه رسیدگی بدان

مساله ها از کسب درین سلاج ها استفاده می کنند ، لیکن در شنیدن اعتراض ها و استفاده ها شکسای از دست می دهند و رانسانز مند سلاج های آتشین می بخند : تکمیرها را با گلوله با سخ می دهند ، ولی در این گونه کاوش ها به با دفان و عدالت می افتند ؛ غافل از اینکه هر دو سلاح نامتناسب است ؛ نه تکسرو معان ها با گلوله خا موش می شود و نه بازسی های قاسوسی نحاشی می رسد .

شکفتیم فروسی یافت ، به هنگامی که وزیر دادگستری هم بر مردم منت گذارد که محل کار خویش را به داوران سپرده است تا با کمال بسطری به حقگزاری بنشینند و از مدثومان خواست که به سرداران شکایت نرند و مطمئن باشند که دادخواهی ، چنانکه می باشد ، انجام خواهد شد .
در اجتماع طوفان زده و داغدار

بقیه در صفحه ۳

اطلاعیه جنبه ملی

روز بیستم ۲۳ آذرماه ، این اطلاعیه از سوی جنبه ملی ایران منتشر شد .

بسم خدا
هم مسلمانان :

ساعت شش بعد از ظهر دیروز رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور به نامه آقای دکتر کریم سجایی رئیس و دبیر کل هیات اجرایی جنبه ملی ایران مراجعه کردند و ایشان را به کاج ساوران برای دیدن ریادشاه بردند .

آقای دکتر سجایی در این دیدار ضمن شرح اعلامیه مورخ چهاردهم آبانماه ۱۳۵۷ ما درنده در برابر پیس نا کجند نمودند که بنا بر سند و اعلامیه مذکور در اوضاع و احوال کنونی جنبه ملی ایران در هیچ ترکیب حکومتی شرکت خواهد کرد .

این دیدار مدت یکساعت به طول انجامید و آقای دکتر کریم سجایی ساعت هفت بعد از ظهر به خانه خود مراجعت کردند .
پنجمین ۲۳ آذرماه ۱۳۵۷
جنبه ملی ایران

ذیل این اطلاعیه با دیگر جنبه ملی اعلامیه به ماده ای آقای دکتر کریم سجایی که در تاریخ ۱۴ آبانماه ۱۳۵۷ در بارش منتشر شده است ، انتشار داده و خاطرنشان کرده است که مفاد اعلامیه موردنا بید حضرت آیت اله العظمی خمینی است .

یک گزارش

کشنا ر محرم چگونه شروع شد

این یکی از گزارشهایی است که برای شماره ۱۷ جنبش آماده شده بود ، و به علت رسیدن گزارشهای دیگر متأسفانه نگنجید . ولی از نظر مثبت نقطه شروع آنچه در ماه محرم گذشت چه در زمینه بیوند و هماهنگی مردم ، چه در زمینه قسوت و سرکوبی حکومت ، هیچگاه این مطالب گفته نمی شود .

نخست وزیر ، زهاری ، درسخرانی خود مسلمان می نماید ولی حتی بسم اله الرحمن الرحیم را با اعراب غلط ادا می کند . در همین سخنرانی که نکات آن به عنوان مطالب نکاهی دهن به دهن می گردد . تعداد مقتولین تهران را در ماه محرم بیش از پنج نفر نمی خواند . شاید او هم چندی بعد قصد اردبیکوند به من گزارش غلط داده اند ! ... اما گزارشها ،

بقیه در صفحه ۴

جنبش ۱۸

شماره ۱۰ دیال

درباب رگستار رژیم دفاع مشروع حق ملت ایران است جنگ و رژیم با کودتک چهارم ما ۴۵!

نخست وزیر دولت نظامی در آغاز انتصاب در برشمردن قدرت خود در تاهمین نفت و آذوقه و نظام مردم و ملت مقدار زیادی در پشت کرسیهای مجلس شورا و سنا کپهای خالی ازوجه کشید .
و اکنون دولت نظامی پس از آنهمه فتوحات درخشان در جبهه آزادی و دموکراسی و نظم و امنیت در بیمارستانهای مملکت به جنگ کودکان ۴ ماهه رفته است .

افتخار بزرگ و عظیم رژیم ارتجاعی و دولت نظامی دست نشاندۀ او تنها در این نیست که مدارش و دانشگاهها و روزنامه ها را بکلی تعطیل کرده است ، افتخار رژیم و دولت نظامی او که در این نیست که رادیو و تلهویزیون را در اشغال نظامی خود در آورده و کاری جز پخش اخبار دروغ و تحریف حواد دلخراش مملکت ندارد .
افتخار بزرگ رژیم و دولت نظامی او اینست که سرایان ویژه خود را همراه با چاقو کشان مزدور به بیمارستانها می فرستد و در بیمارستانها پزشکان و پرستاران و بیماراران را گلوله باران میکنند ، زخمیها را از تخت بزم میکشند و سرها را از دست بیماراران با خشونت که ندر مغولها و نه در نازیهها سراغ داریم ، بیرون میکشند .
افتخار رژیم پوسیده و متعفن استبداد و رژیم نظامی او این است که نجف آباد را یکسره به آتش میکشد ، خانه ها را میسوزاند ، مناره ها را خراب میکند ، اتوبوسها را میکشد ، برای چه ؟ برای اینکه مردم فریاد بکشند : زندمباد شاه .

وقتی هیئت نمایندگان کانون وکلا حقوق بشر به نجف آباد می روند ، مامورین ساواک و شهرداری آنها را همراه با فخر های رکیک کتک میزنند .
و در اطاق رئیس شهرداری نجف آباد بارها پاسبانی با هفت تیر لختان را مورد حمله قرار میدهند ، در بیمارستان شاهرضای مشهد سرایان و مزدوران دولتی حتی بخش کودکان نوزاد و بیمار را از حملات وحشیانه و نامردانه خود معاف نکردند .
یکی از خانه های پزشک این بیمارستان با چشمانی وحشت زده صدائی لرزان صحنه این حمله را به بخش کودکان وصف میکرد که چگونه کله کودتک بیمار ۴ ماهه یکساله را با چوب له کردند و چگونه پرستار را برای جلوگیری از دخالتش مجرد حمله قرار دادند و چگونه شیشه اتاقها را بر روی کودکانی که تختشان در زیر پنجره ها قرار داشت شکستند و بدن کودکان بیگناه را خون آلود کردند .
افتخار بزرگ رژیم پوسیده و دولت نظامی دست نشاندۀ او اینست که در اتاقهای در بسته کارشناسان جنگهای روانی آن داستان خواب دیدن آیت اله قمی را برای فریب دادن مردم و ایجاد تفرقه بین آنها اختراع میکنند و سهر آنها در چاپخانه ارتز چاپ و بوسیله افسران در خیابانها پخش میکنند .

اکنون رژیم استبدادی بدنبال ماهها کشتار و آتش سوزی بار دیگر دست به دزدیدن مخالفین و شکنجه آنها در باغشاه گذاشت .
عده زیادی از مردم بدون دلیل بازداشت شده اند و خانواده آنها از سرنویست آنها اطلاعی ندارند .

رژیم نظامی استبدادی برای نجات خود از مهلکه رسوائی و سقوط نه تنها مردم را میکشد و خانه ها را آتش می زند و کله کودکان بیگناه را در بیمارستانها با چوب له میکند بلکه به فال نخود و خواب و رمل و اسطرلاب متوسل شده است .

این رژیم است که کیمینجر صهیونیست و ریچارد هلمز دزد و جنایتکار با تمام وقاحت و بیشرمی کسانی که به رشوه گرفتن عادت کرده اند از آن دفاع میکنند .

تمام افتخار رژیم نظامی استبدادی به قدرت و نیروی ارتش و سلاحهای مدرن آن بود و اما

بقیه در صفحه ۳

اخبار

سازمان ملی دانشگایان در بهشت زهرا

بنا به دعوت سازمان ملی دانشگایان ایران که خبر آن را در شماره گذشته جنبش خواندید ، روز بیستم ۲۳ آذر بعد از ظهر صدها تن از اساتید و کادر علمی دانشگایان و هزاران دانشجو در مدخل بهشت زهرا گرد آمدند و به سوی مزار شهدای دانشگاه حرکت کردند .

در این راه بیمائی بیش از ده هزار نفر که در مراسم بزرگداشت یادشیدا حضور داشتند به دانشگایان پیوستند .
در این مراسم سخنرانی های شورانگیزی ایراد شد و جمعیت در راه پیمائی و سخنرانی ها و شعارهای خود رژیم آدمکش حاکم را محکوم کردند .

سرقت اموال آزادیخواهان

جنابیتی را که ما موران دولت نظامی در شهرستانها شروع کرده بودیم به تهران نیز سرایت کرد .

در این هفته قفل مغازه چند فرش فروش با زار عباس آباد را شکسته اند و اموال بازرگانان شریف را به سرقت برده اند که با توجه به ساعات منع عبور و مرور دیگر همه میدانند که این نوع سرقتها کا رسارقین سایشیمان مخصوص است .
صبح فردا که بازرگانان به کلانتری مراجعه می کنند ، ما مورین پلیس که ظاهرا حافظ جان و مال مردمند ، به بازرگانان اظهار می کنند : "بروبه خمینی شکایت کن تا اموالت را پیدا کند" اینست روش پلیس در حفظ جان و مال مردم .

بقیه در صفحه ۴

يك گزارش بقیه از صفحه ۱

عکسها و تصاویری که در این مراسم در دنیا بخش دیده و شنیده می شود. اینجا خلاصه و فشرده، کوتاهی از گزارش یکی از دوستان گزارشگر خود را از اولین روزهای محرم که برای ما فرستاده است، می آوریم. دهها راز این گزارشها را ما در دست داریم و صدها را تمام دنیا. تلغات این انقلاب را مثل هر مورد مشابهی نباید پس از ختم آن با توجه به تمام اسناد متعرق تهیه کرد. امروز زخمیها برای فرار از اسارت و کشته شدن پشیمانان و ما شهدا نه فرصت آمدن دارند و در بدو نه صلاحشان است. چون در امان نیستند و از ادامه، مبارزه باز میمانند. تمام وسایل تبلیغاتی نیز در دست حکومت است، این کوتاه شده، بعضی از قسمت های یک گزارش مفصل را نگاه کنیم، یا اگر در صف مبارزه نیستید از پنجره، خانه، خود بیرون را نگاه کنید تا صحت گفته های نخست وزیر را در پاسداری که قهرهای بهشت زهرا هر روز برای شهدائی کشته می شود که با صدای رنگارنگ مسلسل از نوار ضبط صوت خودشان کشته می شوند!

کشتار در شادمان و بهبودی

ساعت ده و نیم مداد اول ماه محرم است. ما موران خونهای را که در برادر کشتی بیشتر ریخته اند، شسته اند. نظامیان راه را بیک دسته، سه هزار نفری که از خیابان گارون و آیزنهاور به شمال، به شادمان (نام خیابان موازی بهبودی و مشعب از آیزنهاور در شادمان غرب تهران) می آمدند، پیشانی دست، کودگان و نوجوانانند. روبرو شمال خیابان تاج می رسید، به طرف مسجد هادی که اما مش آقای مرزبان، پس از آخرین زندان، منعی است. مسردسته عوض شد، به سوی بهبودی، در نیمه، بهبودی هم راه را بستند. مردم نظم را رعایت می کنند و شعار مذهبی و سیاسی می خوانند. راه را گردانند به طرف خیابان خوش، در همان مسیر، اعجاز هم مسدود کردند. در خیابان پرچم و نصرت غربی هم که این خیابانها را قطع می کنند، نظامیان آمده رسدند و راه را بستند. یک محاصره، کامل هیچ راه فرار نیست. دستور تیراندازی از هر طرف ما در شد. تیرها هوایی نیست، بعضی از ده جوان و سالها در کشته دیدم. زخمی افتاد و به خانه ها پناه برده فراروان است. مردم پیش می روند. فرار نیست، چون راه فرار نیست. به سوی سربازان می روند و در می غلتند. یک طرف متعاقب و طرف دیگر رنگارنگ مسلسل.

در اطراف میدان کندی و خیابان پرچم نیز بیش از ۲۰ کشته دیدم و تعداد زیادی زخمی. سه آمبولانس اورژانس تهران و دو آمبولانس ارتشی کشته شدند و زخمی های در زمین مانده را در دو نوبت برچیدند. همه، قضا یک ساعت و نیم طول کشید. سربازها به کامیونها رفتند و اتوموبیل های شخصی که در خیابانها کبر کرده بودند. احسا دوزخ می هائی را که توی جویها، زیر پلها و داخل خانه ها بودند به نشانی هائی که زخمیها یا آشنایان با کشته شدگان می دادند، بردند. مردم، اهالی محل و صاحبان اتوموبیلها که اتفاقا در این محاصره مانده اند، هنوز الله اکبر، لاله الا الله، و نصر من الله و فتح لله می گویند. همکاری مردم در حاشان است.

در فروشگاه تعاونی سه (خیابان آریامهر) نزدیک ظهر روز اول ماه محرم، مردم

نوجوان را که صد و روزه حاشایا استه اند به رنگارنگ بسته اند. روی دیوار خانه، گوشت و موی بچه ها چسبیده است. چند دایره به دیوار کشیده اند و جای سایر گلوله ها را مشخص کرده اند که دیوار را سوراخ کرده است. مردم از کشتار رنج دهانگیری در شادمان سخن می گفتند. چند خبرنگار خارجی هم سرگرم عکس و فیلم گرفتن بودند.

غرب تهران

خیابانهای آذربایجان تا قصرالدشت را که دیدم نمونه، تعاون است. روزها نوجوانان به خانه های مختلف می روند، کاغذی در دست، احتیاجات زنان و اهل خانه را می پرسد و می نویسد. نان و نفت و گوشت و... کا را تقسیم می کنند. توی صف نان و نفت و مواد غذایی می روند. خرید می کنند و به خانه ها می رسانند. نظامی، مذهبی، سیاسی شهای این محله هم نمونه، نظم و فداکاری است.

در این محله سه تا کسی دیدم که روی شیشه، آنها نوشته شده بود "به گروه خون ساز مردم" مردم دست بلند می کردند و سوار می شدند تا به سرعت خود را به محرومین رسانند و خون بدهند.

محاصره، بیمارستانها

نظامیان کوشش دارند که خانه ها و زخمیها را با خود ببرند اما مردم آنها را نجات می دهند. بیمارستانهای بازگانان سوم شعبان گویا مورد اعتماد مردمند که برای زخمی و کشته شده است. به همین مناسبت ما موران این دو بیمارستان را محاصره کرده اند و دیگر کسی را راه نمی دهند. پیش از محاصره، مردی جوانی را روی دوش آورد. گلوله به معز جوان خورده بود. مرد خیال می کرد و اصرار داشت که زخمی رنده است. آخر برادرش بود و مرگ برادر را باور نمی کرد. وقتی قبولا شد که مرده است. خون مردی خود را حفظ کرد. به پرستارها سیردخانی فاشش

بقیه در صفحه ۴

سرگرم خرید هستند. جمعیت طبق معمول فروشگاهها زیاد است. چند سرباز به درهای فروشگاه نزدیک شدند. چند جوان از داخل جمعیت فریاد زدند: خواهان، برادران، زودتر خرید کنید و بیرون بروید، چند دقیقه بعد دو کامیون سرباز رسید. جلوی فروشگاه پیاپی شدند. حمله و تیراندازی چنان برق آسا بود که ما موران داخل فروشگاه به خیال اینکه حمله، چریکی است به سوی سربازان تیراندازی کردند. صدائی از بلندگوی فروشگاه فریاد می زد: مسلمانان، مسلمان کشتی نکنید. صدای فرماندهی شنیده شد که دستور می داد: جوانها را بسازید. در بلندگو گفته شد: سرباز مسلمان، اسلحه را کنار بگذار. عده ای از سربازها اسلحه را زمین گذاشتند که دیگران برداشتند. جمعیت روی هم ریخته است، تعداد کشته و زخمی را نمی شود تخمین زد.

در شیران

شادمان محرم، مردم دسته دسته شعار می دادند و به طرف خیابان نیاوران و سعدآباد می رفتند. سربازان با مسلسل و تفنگ خود کار جدی ترین مقابل را می کردند. برای گزارشگر امکان نزدیک شدن و دیدن میدان جنگ نبود، اما صدای الله اکبر و لاله الا الله تا دم صبح از فلک، جماران، جمال آباد، دروس، قیطریه و اطراف مسجد هدایت هر چه دیوار و سقف است به لرزه در آورده است. صدای تیراندازی هم از هر طرف به گوش می رسد. گفته می شود که کشته و زخمی کم نیست.

روبروی دانشگاه

با تمام سخت گیریهای که برای جلوگیری از اجتماع در این ناحیه می شود، تلاش جرات روبروی دانشگاه چهار رگشته بر زمین گذاشت. تعداد زخمیها معلوم نیست.

شرق تهران

به شرق شهر رفتیم. در کوچه، لوله، خیابان خراسان، ما موران چند کودک و

جنگ رژیم

بقیه از صفحه ۱

این همان ارتشی است که اکنون سربازان آن از سربازخانه ۱۵ گروه فرار میکنند. چرا؟ برای اینکه این ارتش اکنون هنری جز کشتن مردم بیگناه ایران ندارد. سربازی که بیروی مادر و خواهر و برادر خود شلیک میکند، کسی نیست که بتواند در برابر این کشتارهای روزانه بی تاوت بماند. او اگر نتواند سراز مخالفت دستور فرمانده خود در شلیک بسوی مردم برتابد خوار نخواهد به تنهائی که میتواند انجام دهد یعنی فرار متوسل می شود.

این همان ارتشی است که باید از سرحدات منگت و از تنگه هرمز و از منافع آمریکا و اسرائیل در خاور، بیانه و خلیج فارس دفاع کند.

این همان ارتشی است که ما بارها گفتیم که بدون اتکالی اخلاقی و وابستگی مادی و معنوی با مردم کوچکترین نقشی در دفاع ملی ما جز تلف کردن میلیاردها دلار نمی تواند ایفا کند.

ارتشی که سربازان آن از مردم و از شراییه ظالمانه زندگی آنها برحاسته اند، فقط میتواند مردم را آنهم برای مدتی بکشد، زیرا وقتی دست فرماندهی ارتش خود شریک در فساد و دزدی و غارت ۲۵ ساله مردم بوده است چگونه میتواند برای افسران و سربازان خود الکوشی از وطن دوستی و فداکاری ارائه دهد؟

رژیم نظامی استبداد تنها راهی که برای مردم باقی گذاشته است دفاع مشروع با تمام وسایل است، رژیمی که بید ریخ مردم بید فاعرا میکند و حتی به بچه های خرد سال شیرخوار رحم نمیکند دیگر برای مردم ایران راهی جز دفاع از خود با هر وسیله و از هر راهی است. کسی که بدون وسیله دفاع و بیگناه مورد حمله قرار میگیرد چه از نظر اخلاقی و چه از نظر حقوقی برای حفظ جانر باید از خودش دفاع کند، این حکم صریح قرآن و اعلامیه جهانی حقوق بشر است. این دفاع مشروع هر انسان از جان و مال و حیثیت خویش است.

رژیم غارتگر ثروتهای ملی را چپاول کرد و میلیونها مردم ایران را در ۲۵ سال خفقان و خشونت تحقیر کرد و اکنون دست به قتل عام جمعی و کشتار گروهی مردم ایران زده است بنابراین به حکم صریح قانون و فطرت و طبیعت برای مردم ایران راهی جز دفاع و قیام برای حفظ موجودیست خود در برابر رژیمی که با اتکا به حمایت فاسدترین و مرتجعترین نیروهای بیگانه مردم بی دفاع ایران را قتل عام میکند باقی نمانده است.

یک شکایت

درحالیکه جماعت آران و فوآران در دولت نظامی دسته دسته مردم را می کشند ما موران سعید و شکوه ساواک ...

دانشان محترم تهران - روشت خشره جنبش و خسران منجبه ملی

مخبر ما به عربی می رسد:

مقدار اسکله همسر آقای محمد رضا

نویسی بنیاد جرمی گوئی و تدریس و تعمیر فرآین ارتشک براری لته و بیرون ملی ایران (معدت شمال) و روشن کردن اسکله ملت مسلمان ایران برای احد ...

در حالیکه همسر در منزل نبود تمام خانه را بهم ریختند و مادر بیمار و فرزندان محرم را با مشت و آهانت شدید تهدید به قتل و بازداشت نموده و تصمیم ...

ظاهر حدری

پرش های گوناگونی را مطرح می سازد که تاکنون بی پاسخ باقی مانده است و از حمله آنهاست: آیا اعنای هبات رسیدگی با زرس هستند دادرس، یعنی تنها نتیجه تحقیق را به دادگستری می دهند یا خود به قضاوت می نشینند؟ در صورتی که دادرس هستند، احسان آران در صورت حکم از چه مسعی سرچشمه می گردد؟ آیا مقصود شکل یک دادگاه خانواده و خصوصی است؟ آیا بدین سادگی و تنها با صدور فرمان می توان دادگاه اختصاصی بوجود آورد؟ آیا این اقدام در جهت تحکیم قوه قضائیه است یا تضعیف آن؟ آیا این هیات و سایر فرصت لازم را دارد تا جگونگی به دست آمدن این ثروت های افسانه ای را از دیرباز با زرسی کند و به درستی همه معاملات که انجام شده است اطمینان یابد؟ ضمانت اجرای احکام چنین دادگاهی چیست و آیا قادر است اموال را از تصرف اشخاص ثالثی که اکنون مالک آنها هستند خارج سازد؟ آیا وزیر دادگستری و قضاتی که به کج رسدگی گمارده شده اند پاسخ این پرسش ها را نمی دانند یا پرده پوشی می کنند؟

سهرحال، مردم این اقدام را باور ندارند و سپرده و نمایشی می دانند و دولت در حیرت است که چرا؟ شما پاسخ این پرسش ها را بگوئید تا من هم بگویم چرا مردم هیچ اقدامی را باور ندارند ...

یک گزارش

کنید که به دست ما مورین سفید تا برگردم و برمش. وقت بیرون رفتن اطاقی را دید که مردم در آنجا خون می دهند، خون سرد و مردانه ایستاد. آستین را بالا زد و گفت خون نگیرید. پرستارها مرا قشش بودند که چه وقت بعضی می ترکد: گفتند حال تو الان برای خون دادن مناسب نیست. جواب داد که: خیلی هم مناسب است. زود خون را بگیرد می خواهم به خیابان بروم. گرفتند. در میان بهت و حیرت پرستارها از در بیمارستان که خارج شد صدایش را شنیدند که همراه مردم شعار داد.

دستگیری ها

دسته دسته مردم را دستگیری می کنند. در خیابانها و کوچه ها و از میان اعتماد کنندگان دستگا های ملی و دولتی. زندانها پر شده است. دستگیرشدگان را به پادگانهای نظامی می برند. خرساری از کمشده ها را داریم که در باغشاه زندانی شده اند. اسم باغشاه آدم را بداند ز ... و کشتار مآه هان صدر مشروطه می اندازد.

روی سپه حکومت نظامی

- یک توارضت صوت در دست دارم. کسی که را دیو موجهای کوتاه داشته ضبط کرده است. محاسبه از فرماندهی حکومت نظامی به فرمانسیران خیابانهاست. بعضی از فرمانها سو ال و جوابهای روز و شب اول محرم اینهاست: * ۸ نفر از رادیو تلویزیون بگیرند - پاسخ: در میان جمعیت فرار کردند. * ۸۵ نفر در آشیخ هادی تظاهرات کرده اند، سرکوب کنید. * بی ام، و سفید رنگ رو بروی سفارت مصر، با تیراندازی متوقف کنید. * اگر جمعیت دیدید معطلی نکنید به رگبار ببندید. * خیابان پاریس ۳۰۰ نفر در حال تظاهرات، بزنید. * خیابان مدائن ۵۰۰ نفر در حال شعار دادن، بزنید. * از گاز اشک آور استفاده کنید، نشدیکشید. * تهران پارس در حال تظاهرات،

ثروت خاندان سلطنتی بقیه از صفحه ۱

کنوسی، بحث ها همه از بودن یا نبودن است و گویا در باره رعایت اصول حقوقی به مجال و فراغت بسیار دارد که در حیطه مردم نیست. ولی، با راجع هر وجدان آگاه به حسرت می افتد که چگونه دست اندرکاران و مشاوران حکومت بدین نکته، اصلی توجه ندارند که الزام بر این گونه با زرسی ها ناشی از فشار انکار عمومی و بحران سیاسی است و با خار به راه حل سیاسی مداخله و قوری ندارد و با خار به با داروی حقوقی نمی توان به استقبال آن رفت. اگر بدین فرجه اند که وجدان مردم بر مسای تجربه و مشاهده های طولانی، تمام با جنبش مهمی از این ثروت را متعلق به خزانه عمومی می دانند و انعقاد دارد که اگر داری آن بر پایه، موفعت ممتاز و غیر قانونی انجام شده و حکم زور و خیمه رایه آن است، چگونه نمی خواهد به همند که با گزارش یا داری چند حقوقدان خشمناشی از این اعتقاد را نمی توان فرو نشانند؟

حتی مردم آگاه کوچک و بزرگ را نیز، با داری تحری و نیمه تریزی خود، از هم اکنون نتیجه رسیدگی و امنی و اقدام دولت را بوج و سپرده می بینند. حقیقت نیز چنین است. زیرا، در نظام حقوقی، هر چند که پیشرفته و کامل باشد، وجود حق و دلایل اثبات آن سهم آمخته است. حتی احترام دارد که ثابت شود و داد مظلومی که نتواند خوب و ثابت دلایل بنا آورد بخاشی شمرسد. بدین جهت، اگر اخلاق و محیط اقتصادی مزه به ماری حقوق نیاید، زورمدان و وزیرگان خوبی می توانند از جنگال عدالت بگریزند؛ همین که نشانه ای از خود بجای نگذارند آسوده خاطرند، چرا که دست عادل ترین دادرسان را نیز از گریبان خود، بر می بینند.

تا توانی حقوق با گذشت زمان فروزی می یابد، زیرا هر چه از عمر رویدادها گذرد اثبات حق نیز دشوارتر می شود؛ شاهدان عینی از بس می روند یا آنچه رادیده و شنیده اند از جا طرمی برند؛ مسوولان تغییر سمت می دهند و می میرند؛ ستمدیدگان مایوس ترک دنیا می کنند؛ اسناد در نتیجه حادثه های گوناگون از بسین می رود؛ و به طور خلاصه، رنگ محیط همان دگرگون می شود که دگرگون را از ابطال نمی توان؛ ز شناخت. این با توانی را قوانین نیز شناخته اند؛ چنانکه نهاد حقوقی مرور زمان بر پایه همین واقعیت است تا دعاوی کهنه سپرده وقت دادرسان را بگیرد و صلح اجتماعی را به خطر نیندازد.

آنان که ساکار قضا آشنا هستند می دانند که اثبات دعاوی مربوط به ابطال معامله، بر سبنای اکراه یا استفاده نامشروع از اضطرار و توس، یکی از دشوارترین اقدام های قضایی است. زیرا آوردن دلیل، که منظور معمول در این گونه دعاوی جز شهادت و اماره نیست، با کسی است که می خواهد تظاهر آراسته، اسناد را به کناری زند و حقیقت کتمان شده را آشکار سازد. باید با خریداران تازه، اموال نیز بچنگد و گاه در این راه به تلسل می افتد و راه جایبی نمی برد. از همه مهم تر اینکه، سوء استفاده هایی که مردم ادعا دارند چنان با فساد عمومی دستگا های اداری آمخته است که هیچ امدیه کشف حقیقت نمی رود. کدام ما مورالاح اراضی یا حفاظت جنگلها است که اعتراف کند به امید جا به با طمع بدست آوردن پول زمینی را بیهوده ملی اعلام کرده یا برخلاف حق چنین زمینی را به سهای نا چیز فروخته است؟

گذشته از اینها، طرز تشکیل هیات بازرسان و صلاحیت ها و کار آیی آنان

- به هر قیمت متفرق کنید. * سرسید در یوسف آباد ما موران تیراندازی کرد، متوقف کنید. * در شهناز ۴۰۰ نفر در حال تظاهرات، جلوگیری شود. * امیر آباد، تظاهرات نزدیک مسجد امیرالمؤمنین - دانشجویان خواگانه امیر آباد هستند. اینهار روز از پول نفت عدا می محاسی می خورند و شب تظاهرات می کنند. سرسید، جلوگیری کنید. * از حصاران عده ای حرکت کرده اند. * از حسابان طوس، عده ای از عوامل خودی در پس است. آنها ما در تماس هستند. (معلوم می شود، مردم ایران برای حکومت نظامی خودی نیستند، بلکه از کرات دیگر آمده و دشمنند). * طلوی دانشگاه تظاهرات است هر کس ضبط صوت دارد بگیرد. * سرهنگ سلطانی یکی از ما مورین است. خانه مشخص نیست. ولی تحت نظر است. * برق تمام تهران ساعت ۱۰ قطع می شود. * سرهنگ اسدی - یوسف آباد مسوول جلوگیری امیر آباد است. نرسیده است با کمال خون سردی عمل کنید.

اخبار

تحصیل دانشگاہیان

جمع چهارشنبه (امروز) دانشگاہیان در دانشگاہ تهران اجتماع کردند و قطعنامه زیر را صادر کردند و تصمیم به تحصیل در دانشگاہ گرفتند. قوای دولت تمامی دانشگاہ را به محاصره آورد. جمعی را متفرق کرد و بقیه از صدتن از اساتید که در محل تحصیل باقیمانده اند تا این ساعت ۶ بعد از ظهر در محاصره کامل نیروهای مسلح هستند و امکان گرفتن هرگونه خبر و یارساندن آب و غذا به آنان را بریده اند.

بیانیه

برای اعتراض به محاصره نظامی دانشگاہها برای اعتراض به بستن دانشگاہها بروی دانشگاہیان و اساتید، برای اعتراض به سیاست سانسور و خرابی دستگاه مدیریت فرمایشی و انتصابی دانشگاہ برای محکوم کردن اعمال موهن و خصومت آمیز مدیریت دانشگاہ نسبت به اعضای هیئت علمی پیش از صدتن از اساتیدان دانشگاہ تهران، اعضای سازمان ملی دانشگاہیان ایران سعادت امجد روز ۵۷/۹/۱۹ در محل دبیرخانه دانشگاہ تهران اجتماع کردند و تصمیم گرفتند تا بازگشتی تاظر دانشگاہ به صورت خود در این محل ادامه دهند. این اقدام از حیثیت پشتیبانی کارکنان و کارکنان دانشگاہ برخوردار است.

سازمان علمی دانشگاہیان ایران

به مناسبت فجایع مشهد

اعتراض در بیمارستان هزارتختخواهی بخارا اعتراض به اعمال وحشیانه رژیم و دخالت مسلحانه در بیمارستان بزرگ مشهد و کشتن زدن ادبیا و پزشکان و زخمی کردن کودکان بیمار در روز دوشنبه ۲۷ آذر را جنای عظیم از پزشکان تهران و رستاران و کارمندان بخرهای پزشکی و نمایندگان پزشکان خراسان و خیزستان تشکیل گردید. در این اجتماع پزشکان مشهد جنایات و هجرهای وحشیانه مامورین رژیم را به بیمارستان با اطلاع حاضرین رساندند. و انهم دکتر احمدی استاد یار صمدی بخر کودکان بیمارستان فجایع مامورین مسلح و ابرار مزدور را نسبت به کودکان و بچگونی کشتار آنها را شرح کرد.

قطعنامه پزشکان مشهد مبنی بر خواستههای آنها قرائت شد و سر از سخنرانی آقایان نزه و قاسمی و حاج سعید جوادی و قرائت شعری توسط یکی از خانمهای پزشکان بیمارستان هزارتختخواهی آقای رالف شوئن من نماینده تله ویزیتون ای-بی-سی-امریکا که در واقع نجف آباد همراه با هیئت اعزامی تانوی و کلا و جمعیت دفاع از حقوق بشر بوسیله ماموران مشروب شده بود پیام ملت آمریکا را مبنی بر تقبیح سیاست حمایتی کارتر از شاه به اطلاع حاضران رساند.

در خاتمه آقای دکتر خوشنویس استاد و رئیس بخر بیمارستان هزارتختخواهی قطعنامه جلسه را که مورد تصویب همه حاضران قرار گرفت قرائت کرد.

امادگی نیروهای امریکائی و اسرائیلی

برای دخالت در ایران

بقرا اطلاع عده زیادی از تنگدانان نیروی دریائی امریکائی و اسرائیلی و ترک در پاکستان برای دخالت نظامی در ایران آماده شده اند.

ملت ایران از هم اکنون اعلام میکند که دخالت نظامی امریکا و اسرائیل و ترکیه در دخالت علنی در حق حاکمیت مردم ایران بر سرشوست خویش است. بنابراین در صورتی که نقشه این حمله حقیقت داشته باشد ۱- ملت ایران خواستار قطع کامل سیاسی و اقتصادی ایران با امریکا و اسرائیل و ترکیه میباشد ۲- آمادگی کامل مردم ایران برای مبارزه با دشمن مشترک با هر وسیله به عنوان حق دفاع مشروع مردم تبریز از یاد آنهمه ای اطراف آوردند.

درساری

در روز ۲۹ آبان مردم مبارز ساری در اعتراض به خشونت های مداوم دولت ناهمی و تجاوز مسلحانه سرایان دست به راهپیمائی بانگوهی زدند. این راه پیمائی آرام سرانجام نتوانست به آرامش بنیایان برسد زیرا رژیم نظامی با دخالت مسلحانه خود و کشتار مردم عذبی جز ادامه آشوب و هرج و مرج برای توجیه وضع ورشکسته خود ندارد.

پس از راه پیمائی گروهی از مردم شریف ساری از طرف مامورین شهرداری با اهدا توشه شوکت توقیف و زندانی شدند در بین این افراد آقای حسن مشکات شه میرزادی معلم پیش از همه مورد حقد و کینه مامورین پلیس ساری میباشد.

دیگر توقیف شدگان عبارتند از کریم جعفری ران - محمد فیروز زایی وکیل دادگستری - سعید ناصر میرعادی - عبد الرحیم رستعلانی - علی اصغر ساجدی - قاسمی - سعید عبد الحمید - فریدون خیار - یحیی اعتراض به خشونت پلیس و بازداشت افراد شریف ساری مد نفراز فرهنگیان ساری و بانوان معلم در اداره فرهنگ ساری به تحمیل نسیخته اند و یک گروه بیست نفری از بانوان نیز برای استخلاص زندانیان سیاسی و توقیف شده در دادگستری ساری متحصن شده اند.

در پیشهر نیز آقایان میرزائی - محمدآوی - دکتر احمد امیری - حسین پور - لامعی و دیپسر ایسان از طرف شهرداری بهاد لشرکت در راه پیمائی های ملی دستگیر و بازداشت شده اند.

ناشر مفخم کجاست؟

آقای ناصر مفخم روزنامه نثار با سابقه و کارمند وراثت فرهنگ و هنر که ده هفته پیش در خانه خود توقیف شد، هنوز توقیف است و معلوم نیست کجا خانواده اش به کلیه دفاتر امنیتی و نظامی رجوع میکنند و جوابی نمی شنوند.

حمله بانجمین دفاع از آزادی مطبوعات ۸- بعد از ظهر روز سه شنبه جلسه انجمن دفاع از آزادی مطبوعات با شرکت عده ای از شخصیت های سیاسی و قضائی و مطبوعاتی در منزل آقای سپهر تشکیل گردید. در این جلسه هیئت مدیره وقت انتخاب شد و آقای حسن صدر نویسنده و وکیل تفرس دهکده سفین بیوتک را مدت سه ماه ضمیمه دادگستری بسمت ریاست انجمن انتخاب گردید.

مناصفانه یک ساعت پس از تشکیل جلسه خانه مزور بوسیله ماموران کلانتری و فرمانداری نظامی در محاصره قرار گرفت ماموران وارد خانه شدند و جلسه را پسر شم زدند ولی کسی توقیف نشد.

در تبریز و قزوین

سربازان به مردم پیوستند

در تبریز وقتی سربازان مسلح برای جلوگیری از راه پیمائی مردم آماده شلیک شدند یکی از روحانیون بزرگ و مبارز تبریز آقای قاشی با سینه گلوله در تبریز سربازان قرار گرفت و کشت اول پسینه من شلیک کنند. سربازان با دیدن این وضع گروهی از صف خارج شدند و به مردم پیوستند و این جهت بود که فرزند آن مستقیم از تبریز توسعه مبارزاتی سربازان و تفرات آنها سربازان را پسر از خانه برگردانند و میان آنها را از تبریز خارج کردند و بجای آنها مشترک با هر وسیله به عنوان حق دفاع مشروع مردم تبریز از یاد آنهمه ای اطراف آوردند.

در سازمان برنامه

صبح چهارشنبه مامورین انتظامی با سلاحهای آماده تیراندازی سازمان برنامه حمله و آنها را قتل کردند. در این یورش مامورین دولت و حکومت نظامی با همه خشونتی که بکار بردند به مبارزه کارکنان سازمان برنامه روپوش شدند.

اکنون کارکنان سازمان برنامه در سالن بزرگ سازمان اعتبار نشسته کرده اند و در محاصره قوای دولت اعظم کرده اند که تا خرمه قوا از سازمان دفاع دادند و بیخ توهین به اعتبار نشسته خود ادامه خواهند داد.

حکومت نظامی شکنجه شده در تبریز

پنروز سه شنبه چهار جسد را که آثار شکنجه در بدن آنها بود و جثمانشان کور و پاهایشان از بند کتف و کمر جدا شده بود برای شناسایی به ناسر میرعادی - عبد الرحیم رستعلانی - علی اصغر ساجدی - قاسمی - سعید عبد الحمید - فریدون خیار - یحیی اعتراض به خشونت پلیس و بازداشت افراد شریف ساری مد نفراز فرهنگیان ساری و بانوان معلم در اداره فرهنگ ساری به تحمیل نسیخته اند و یک گروه بیست نفری از بانوان نیز برای استخلاص زندانیان سیاسی و توقیف شده در دادگستری ساری متحصن شده اند.

در بانک ملی

کارکنان بانک ملی آقایان پورسید و صادقی را مامورین ساواک شبانه در منزلشان بدوین هیچگونه مزه و دستگیر و زندانی کرده اند. کارکنان بانک به مدیرکل بانک اطلاع داده اند که اگر دستگیر شدگان بیخود آزاد نشوند با اعتصاب یکپارچه هم کارکنان بانک روبرو خواهند شد.

در بازار تهران

چهارشنبه. امروز صبح در بازار تهران عناصری که گویا مامورین ساواک بوده اند به جمعی از بازاریان که برای سرکشی به مغازه خود آمده بودند و نمی خواستند مغازه ها را با شتر باز کنند حمله کردند و با وحشیگری همشگی جمعی را زخمی و جمیع دیگری را بازداشت کردند.

دستگیری سپاهی دانش

آقای وحید کلهر ۲۱ ساله سپاهی دانش دهکده سفین بیوتک را مدت سه ماه ضمیمه دادگستری بسمت ریاست انجمن انتخاب گردید. دستگیر کرده اند. بهریم سلطانی! این جوان سپاه مدت دو ماه و نیم در زندان انفرادی و عادی کمرته بسر برد است و اکنون او را به زندان انفرادی و بعد به تعویب منتقل کرده اند.